راه نوین ترکیه در سیاست جهانی

روابط ترکیه واروپا وارد دورانی تازه شده است، دوره ای که مشخصه بارز آن چالش و زورآزمایی است. شاید سخن از چالش راندن در ایام حضور بالاترین مقام اروپای مسیحی در آنکارا تعجب آور باشد اما واقعیت جز این نیست که منحنی روابط آنکارا با اروپا، روی محور تنش حرکت می کند. فقط در یک ماه اخیر چند نشست و رایزنی دو طرف برهم خورده است.

فضای مذاکرات چندین ساله ترکیه با اروپا در روزهای اخیر چنان به سردی گراییده که تهدیدات بزرگتر مطرح شده است. نمایندگان اردوغان به طرفهای اروپایی گفته اند کاسه صبر مردم بویژه محافل اسلامی ترکیه از آنچه در دالانهای مذاکره اروپائیها می گذرد در حال لبریز شدن است. آنها تـأکـید کـرده انـد ادامـه ایـن بـازی ملال آمیز می تواند بستر آرام روابط مردان آناتولی با همسایگان غربی را با تلاطم های شدیدتر روبرو کند.

از سوی دیگر، جناح اروپایی نیز گویی میل و اراده ای، جز تداوم این تنش ندارد که همچنان و هنوز در کوره این تنش می دمند.

در حالی که خبر می رسد آخرین مرحلـه مـذاکرات هیـأت تـرک بـا قبرس نشین ها به شکست انجامیده است، دو قدرت اصلی اروپا یعنی آلمان و فرانسه هر کدام به بهانه ای راه مذاکره را برآنکارا بسته نگه داشته اند. اگر این نشانه ها برای قبول هجوم ابرهای کدورت به آسمان دیپلماسی اروپا و ترکیه کافی نیست این خبر را نیز بر آن مجموعه اضافه کنید که: ۲۵ کشور عضو اتحادیه اروپا قرار است در نشست ۱۵ - ۱۴ دسامبـر (۲۴ - ۲۳ آذر)، درباره احتمال تعلیق کامل یا موقتی موضوع الحاق ترکیه به اتحادیه اروپا را که مذاکرات رسمی آن از اکتبر ۲۰۰۵ آغاز شده است، گفت وگو کنند.

بروز این وقایع تنـد و شتابان که همگی در روزهای منتهی به سفر پاپ روی داد به این پرسش دامن زد که آیا براستی مرجع مذهبی اروپائیان در سفر جنجالی خود قصدی برای فرونشاندن آتش اختلاف میان این دوپاره اروپایی و آسیایی داشته است و اصولاً او حامل سخن و پیامی برای مصالحه میان دوسوی مدیترانه است؟ سفر پاپ دست کم ناظران را در این تأمل فرو برده که اتفاقاتی مهم در بستر مناسبات سیاسی اروپا وترکیه در حال وقوع است.

از ایـن روسـت کـه پـرونـده طولانی ترین مناقشه سیاسی ترکیه با اروپا گشوده شده است و تحلیلگران در اروپا و منطقه آسیا در پی پاسخی درخور به علت بروز یک بن بست بی سابقه در مسیر ورود ترکیه به باشگاه اروپایی هستند. شاید مهمترین سؤال این باشد که حلقه مفقوده یا گره کور این پرونده چیست؟

محور و مدار آرزوهای لائیسم

شاید از آن روز که افسران جوان، حکومتی لائیک بر زادگاه امپراتوری عثمانی بنا کردند، شوق اروپایی شدن در ذهن جمعی از رجال این کشور جوانه زد. مـدرنیسمـی کـه بر اراده مصطفی کمال بر این سرزمین سیطره افکند از همان آغاز، رنگ و طعم فرنگ داشت. ژنرالها ابایی از این نداشتند که این آرزوی نهان خویش را به زبان آورند.

تحـولی کـه آتـاتـورک بـیرق آن را برافراشت فقط جابه جایی تابلو ترکیه مسلمان با شناسنامه لائیک نبود و طرح نوگرایی و رنسانسی که افسران جوان وعده آن را داده بودند، تنها این نبود که ترکیه فقط لباس سنت از تن برکند، بلکه مؤسسان آن جنبش و در رأس آن آتاترک به هدف دورتـر و بلنـدتری می اندیشیدند. هدفی که جایگاه جغرافیایی و حوزه تمدنی جدید برای ترکیه می جست. مسأله آن روز رجال ترکیه این بود که چگونه می توان ترکیه غنوده در دامن شرق را به آغوش غرب کشاند.

از دید نسل اول حاکمان ترکیه نوین، تنها یک قدم تا رسیدن به دروازه طلایی اروپای مدرن باقی بود و فقط یـک مجـوز ورود لازم بود کـه رجـال لائیک، دوستان مغرور اروپایی را به این باور برسانند که ترکها با انتخاب مرام لائیسم همان انقلاب رنسانس مغربیها را در ترکیه اسلامی خلق کرده اند.

بنابراین در مانیفست مؤسسان رژیم لائیک، الـحاق به اروپا یک مسـأله اسـتـراتـژیک بـود. اگـر بـخواهـیـم نمونه های تاریخی برای این قضیه ارائه کنیم این استراتژی تاریخی لائیکها رامی توان با دکترین سنتی روسها برای دستیابی به آبهای آزاد قیاس کرد. اگر محققان روابط بین الملل تاریخچه بحث الحاق ترکیه به اروپا رافقط تا تولد اتحادیه اروپا می رسانند اما بذرهای این فکر را مؤسسان آن کاشته اند، همانها که در سر فکر ایجاد امپراتوری لائیسم و در زبان شعار آرزوی تبدیل این سرزمین به متحد همیشه غرب را داشتند.

بزرگترین تابوی سیاستمداران آناتولی

در هشت دهه ای که از عمر نظام لائیک گذشت برای دولتمردان آنکارا از لیبرالها تا چپگرایان، پیوستن به اروپا یک عقیده راسخ بود. چنان که هیچ وقت از سرلوحه سیاست خارجی آنان خارج نشد. هر دولتی که دراین مدت آمد زمانی را به رایزنی و چانه زنی با طرفهای اروپایی سپر کرد. آرشیـو دیپلماسی این کشور مملو از اوراق و اسناد مذاکرات مربوط به الحاق ترکیه به اروپا است.

در سالهایی که گذشت سایه این باور که ترکیه روزی در کنار اروپا و بر سکوی بازیگران قاره سبز خواهد ایستاد، روز به روز برفرهنگ وسیاست این سامان دامن می گسترد. بارها این جمله را در نطق مقامهای آنکارا شنیدیم که راه ترکیه به سوی پیشرفت و توسعه از شاهراه اروپا می گذرد. اما شگفتی در این بود که موضوع پیوستن ترکیه به اروپا که می توانست حلقه ای از سیاست مرسوم دولتها باشد، در گذر زمان و با اراده رهبران لائیک رنگ و ماهیت اسطوره به خود گرفت و در جایگاه اصول تغییرناپذیری همچون ایدئولوژی لائیسم نشست که کسی را یارای نفی آن نبود.

کمترین عقوبت انکارکنندگان و منتقدان این باور در محکمه اهل سیاست و تبلیغات این بود که با انگ و اتهام خردکننده کهنه پرستی یا ستیز با منافع ملت و میهن روبرو می شدند. به این ترتیب برای جماعت مسندنشین آنکارا در این سالها، عضویت در باشگاه اروپا، نه راهبردی برای پیشرفت که عین پیشرفت و مدرنیسم پنداشته شد، آنها پایان ضعف ترکیه را در این دیدند که کلید ورود به اروپا را به چنگ آورند.

صورت و باطن یک مناقشه

اروپاییها تاکنون دو رشته موانع سر راه ترکیها قرار داده اند: رشته اول، مـوانـع سـیـاسی اسـت کـه غـالـباً از اختلاف سنتی این کشور با گروهی از دول اروپایی ناشی می شود. این گروه از دولتها، امروز به جناح لابی های مخالف در باشگاه اروپایی مشهور شده اند. در رأس این دولتها یونانیها قرار دارند که رقابت سنتی و اختلاف ارضی خود با آنکارا را به داستان روابط اتحادیه اروپا با ترکیه گره زده اند. پشت سر یونان یا قبرس دوقدرت بزرگ اروپایی ایستاده اند: فرانسویها که پرونده ای از اختلاف بر سر موضوع تنش زای ارامنه با آنکارا را در آستین دارند و آلمانها که با وجود حضور ۴ میلیون اقلیت ترک در کشورشان، از جنگ جهانی دوم - که ترکها برای بازسازی این میراث نازیها به این کشور گسیل شدند - تاکنون با ترکها بر سر مهر نبوده اند.

به قدرت رسیدن دولت اردوغان نسیم یک بازگشت تاریخی را در روح خسته جامعه ترکیه دمید، بازگشت به هویت اسلامی و خاستگاه شرقی

شاید آنکارا امکان عبور از مانع پاریس و برلـین را داشته باشد اما گذشتن از سد قبرس چندان راحت نیست. در این وادی ترکها با حریف عمده ای به نام یونان روبرو هستند، کشوری که نفوذی دیرین بر فرایند امور اروپا دارد. گزارشهای آخرین نشست طرفهای اروپایی و ترک نیز مهر تأییدی بر این واقعیت است چنان که طرف قبرسی پس از آنکه زنگ شکست این مذاکرات را به صدا درمی آورد با تکیه بر دیوار قدرت و حمایت اروپا است که همـه تـقـصـیـرهـا را بـه گـردن آنـکـارا می اندازد. سخنگوی دولت قبرس می گوید: ترکیه با سرسختی و عدم انعطاف در جلسه مشترک وزیران خارجه قبرس و ترکیه با وزیر امور خارجه فنلاند به عنوان رئیس دوره ای اتحادیه اروپا، موجب شکست طرح پیشنهادی فنلاند شد. یا این ادعای او که ترکیه در این مذاکرات نشان داد که خواهان حل مسأله قبرس نیست و این کـه قـبـرس (بـخـش جـنـوبـی و یونانی نشین) در این جلسه، کاملاً حسن نیت خـود را نشان داده بود. دست آخر تهدید می کند که اتحادیه اروپا باید نسبت به عملکرد ترکیه در قبال قبرس به عنوان یک کشور عضو برخورد مناسبی کند.

قبرسی ها چنان که در این گزارش پیدا است طلبکار و مدعی تعهداتی هستند که ترکیه باید در مقابل اتحادیه اروپا داشـتـه بـاشـد و بـر ایـن اسـاس می گویند، آنکارا تعهداتی را در قبال اتحادیه اروپا پذیرفته است که باید به آنها عمل کند، البته همه این خواسته ها در قالب بهانه های ساده مطرح می شود چنان که این بار گفتند، ترکیه حاضر به باز کردن بنادر و فرودگاه های خود به روی کشتی ها و هواپیماهای قبرسی نیست.

اما رشته دوم موانع حضور ترکیه در جرگه اروپا، جنس وماهیت فرهنگی دارد این دسته از موانع با آن که پایه و اساس ۵۰ سال کشمکش عضویت ترکیه مسلمان در اروپای مسیحی را شکل می دهد اما متأسفانه تحت الشعاع اختلاف های سیاسی قرار گرفته است.

از این منظر، ترکیه و اروپا دو پـاره فرهنگی مجزا هسـتـند که دارای دو ساختار ایدئولوژیک، دوبستر فرهنگی متمایز و دو تاریخ مختلف هستند. درک و دریافت این تمایزها چندان دشوار نیست. از مناره ها و ساجد تا سنتها و ارزشها و آئینهای اجتماعی، جملگی نمادهای نمایانی از تفاوت هویت ترکیه مسلمان با اروپای مسیحی هستند.

ایـن واقـعـیـتـی اسـت کـه هـمـه سیاستمداران اروپا بدان اقرار کرده اند و آخرین بار نیز «اولی رن»، کمیسر اروپا در امور توسعه بر آن اصرار ورزید و گفت: «چنانچه ترکیه در ۱۰ یا ۱۵ سال آینده به یک کشور اروپایی و مدرن تبدیل شود و ارزشهای دموکراتیک و دولـتـی را رعایت کند، مطمـئـنم کـه می تـوانـیم رضایت خاطر اروپایی ها را به دست آوریم و با برگزاری همه پرسی این عضویت را تضمین کنیم.» این سخن را امروز در سفر پاپ از زبان رهبـران واتـیـکـان می شنویم چنان که روزنامه ایتـالـیایی «کوریره دلاسرا» به نقل از لومباردی، مقام شاخص مسیحی می نویسد: اگر ترکیه براساس معیارهای مشخص شده از سوی اتحادیه اروپا عمل کند، چرا وارد این اتحادیه نشود یا آنکه کاردینال «برتونه» نخست وزیر واتیکان در مصاحبه با بخش خبر شبکه دوایتالیا می گوید: این آرزو وجود دارد که ترکیه حقیقتاً بتواند شرایط تعیین شده اتحادیه اروپا را برای ورود و ادغام در این اتحادیه محقق کند.

پاسخی تازه به نزاعی کهنه

در گستره روابط بین الملل، مسائل ترکیه واروپا نزاعی کهنه و دیرپاست که سابقه ای به درازای عمر ۵۰ ساله اروپا می توان برای آن نوشت. اما اکنون زمان پاسخ به این مسـأله دیـرین، فرا رسیده است که چرا اروپاییها این قدر سر سختی و لجاجت به همسایه مسلمان خود نشان دادند. کمیسر اروپا در آخرین پاسخ خود تضاد ارزشها و عدم تجانس فرهنگی را مسأله اصلی دانست. سخنان اولی رن از حالی مطرح شد که افکارعمومی اروپا، بویژه فرانسه بیش از پیش نسبت به ترکیه منفی شده است تا حدی که مدعی شده اند پیوستن این کشور به اتحادیه اروپا باید از طریق همه پرسی تأیید شود. اما این یک سوی داستان این مناقشه طولانی است.

سوی دیگر این سکه زمانی نمایان شد که حلقه دوستان حزبی اروپا در کارزار رقابت انتخاباتی از هم پاشیدند. با پایان سده بیستم حیات جریان لائیسم روبه افول می گذارد. پیکره سیاسی این جریان که در ماجرای پیروزی حزب رفاه اربکان آسیب جدی دیده بود با ظهور نیروی تازه نفس وپرقدرتی به نام عدالت وتوسعه در آستانه فروپاشی قرار گرفت.

به قدرت رسیدن دولت اردوغان نسیم یک بازگشت تاریخی را در روح خسته جامعه ترکیه دمید، بازگشت به هویت اسلامی و خاستگاه شرقی. همه امیدهای جناحی که در پی ساختن یک همپیمان از کشوری شرق تبار برای بلوک غرب بود با شکست لائیکها به کـابـوس بـدل شـد. اروپـا در فـردای پیروزی اسلامگرایان با این پرسش جدی روبرو شد که چرا سیاستمدارانی که شعار و وعده شان گرفتن کلید عضویت در اروپا بود نتوانستند رأی مردم را کسب کنند و چرا چهره های منتقد غرب و اروپا این اندازه محبوبیت و اعتبار گرفتند.

بنابراین برای اروپا و غرب اگر در دوران حاکمیت لائیکها کورسویی از امید به تحقق شرط خویش یعنی تغییر در بنیاد ارزشها و قوانین ترکیه وجود داشت اکنون شانس چنین تغییری در دوران موسوم به «پسلائیسم» به امری محال تبدیل شده است.

اساساً پس از سقوط و تضعیف لائیکها، جریانی نبود که قادر به حمل پرچم ایدئـولـوژی غـرب در تـرکـیـه اسلامی باشد. آن همگرایی طولانی و بی حاصل اکنون موج سنگینی از واگرایی را در پی آورده است. این نکته اگر دیروز چون یک هشدار محرمانه از سوی رجال ترک به گوش طرفهای اروپـایـی نـجـوا مـی شد اکـنـون بـه اعتراضی بلند تبدیل شده است، با رجـوعـی گـذرا بـه نـتـیـجـه آخـرین نظرخواهی که از مردم این کشور درباره الحاق به اروپا صورت گرفته است می توان پاسخ این مسـأله را دریافت.

شاید هنوز باشند رجالی که حاضر به پذیرش این واقعیت نیستند که اندیشه اروپایی شدن کم کم به اوهام می پیوندد اما رشته وقایع این ایام باقی تردیدها را در این عـرصـه خـواهـد شکست. لذا اکنون مسأله این نیست که آیا اروپا سرانجام ترکیه را در خانواده خود خواهد پذیرفت یا نه؟ بلکه مسأله این است که آیا مردم و مسلمانان ترکیه پس از سالها تحقیر مجوز طرح دوباره این قضیه را خواهند داد یا نه؟

ترکیه
دوره اسلام‌گرایان در یک نگاه

۲۰۰۲ نوامبر ـ حزب عدالت و توسعه در انتخابات سراسری به پیروزی رسید. عبدالله گل، معاون حزب نخست وزیر شد.

۲۰۰۲ دسامبر ـ پس از تغییراتی در قانون اساسی ترکیه، اردوغان رئیس حزب عدالت و توسعه امکان حضور در انتخابات را یافت و راه رسیدن وی به نخست وزیری هموار شد. اردوغان به دلیل برخی محکومیت های قضایی از دستیابی به چنین مناصبی محروم شده بود.

۲۰۰۳ مارس ـ پیروزی اردوغان در انتخابات پارلمانی.

استعفای عبدالله گل از نخست وزیری. انتخاب اردوغان به عنوان نخست وزیر جدید.

پارلمان زیر نفوذ اسلام گرایان اجازه استقرار نیروهای آمریکایی در خاک ترکیه برای حمله به عراق را نداد. اما مجوز ورود ترک ها به منطقه کردنشین شمال عراق را صادر کرد.

۲۰۰۳ ژوئن و ژوئیه ـ پارلمان ترکیه برای تسهیل عضویت در اتحادیه اروپا، محدودیت های موجود درباره سیاست و تبلیغات این بود که با انگ و اتهام خردکننده کهنه پرستی یا ستیز اسلام گرایان بر مخالفت رئیس جمهور با قانون کاهش محدودیت از تعلیم قرآن در ترکیه غالب شد و توی نجدت سزر را درباره این قانون شکست.

۲۰۰۵ اکتبر ـ پس از چانه زنی های فراوان، مذاکرات رسمی ترکیه با اتحادیه اروپا آغاز شد.

۲۰۰۵ نوامبر ـ خط لوله چند میلیارد دلاری بلواستریم افتتاح شد. این خط لوله، گاز روسیه را از زیر دریای سیاه به ترکیه انتقال می دهد.

۲۰۰۶ مارس ـ جنگ بین نیروهای امنیتی با عوامل پ. ک. ک شدت گرفت، در این درگیری ها ۱۴ مظنون پ. ک. ک کشته شدند.

۲۰۰۶ مه ـ یک فرد مسلح به سوی عالی ترین دادگاه ترکیه آتش گشود و یک قاضی برجسته را کشت، ۴ نفر دیگر نیز زخمی شدند.

۲۰۰۶ ژوئیه ـ افتتاح رسمی خط لوله نفتی باکو ـ تفلیس ـ جیحون

۲۰۰۶ اوت و سپتامبر ـ بمبگذاران اماکن توریستی در استانبول و برخی مناطق دیگر را هدف قرار دادند. فالکون های آزادی کردستان (TAC) مسئولیت برخی از این حملات را برعهده گرفت.

۲۰۰۶، ۳۰ سپتامبر ـ پ. ک. ک اعلام آتش بس یک طرفه کرد.

۲۰۰۴ مه ـ حزب کارگران کردستان (PKK) اعلام کرد، برای مقابله با عملیات های ترکیه علیه نیروهایش به آتش بس پایان می دهد.

۲۰۰۴ ژوئن ـ تلویزیون دولتی ترکیه برای نخستین بار برنامه ای به زبان کردی پخش کرد. ۴ فعال کرد، از جمله لیلا زانا از زندان آزاد شد.

سران ناتو در استانبول گردهم آمدند

۲۰۰۴ سپتامبر ـ پارلمان، اصلاحات مربوط به منع خشونت علیه زنان را به تصویب رساند.

۲۰۰۴ دسامبر ـ سران اتحادیه اروپا توافق کردند مذاکرات با ترکیه برای پیوستن به این اتحادیه را از سال ۲۰۰۵ از سر گیرند. اتحادیه اروپا در عین حال از ترکیه خواست قبرس را به عنوان عضو این اتحادیه به رسمیت بشناسد.

۲۰۰۵ ژانویه ـ لیره جدید ترکیه با ۶ صفر کمتر معرفی شد.

۲۰۰۵ مه ـ پارلمان متمم های جدیدی را در زمینه اصلاح قوانین جزایی تصویب کرد. اروپا در واکنش به این مصوبات عنـوان کـرد کـه هـنـوز نگرانی هایی درباره وضعیت حقوق بشر در ترکیه دارد.

۲۰۰۵ ژوئن ـ پارلمان تحت نفوذ اسلام ـ

نگاه به شرق اسلام‌گرایان آنکارا

حزب AKP، این نشانه امروز برای محافل سیاسی بسیار آشناست. این علامت نام اختصاری حزب عدالت و توسعه است، حزبی که جای بسیاری از نام های پرآوازه احزاب و گروه های سیاسی ترکیه را گرفته است. اگر روزی AKP گروهی تحت تعقیب و نام رهبران اش در لیست سیاه عوامل امنیتی آنکارا بود، امروز به جناح حاکم در صحنه این کشور تبدیل شده است.

حزبی که با ظهور خود در نقطه تلاقی دو قاره به سال ها یکه تازی احزاب چپ وراست پایان داد. حزب عدالت و توسعه با آمدن خود نه تنها مهر تغییر بر پیشانی ترکیه زد که به نیروی مددرسان تحولات مشابه در کشورهای خاورمیانه تبدیل شد. همه گروه هایی که در زمانه مایرچم تحول خواهی را دردست گرفته اند نگاهی ارادت ورزانه به سوی مدرنیست های مسلمان ترکیه داشته اند.

در نظر جنبش های ملی- اسلامی عصر امروز، تـرکـیـه تـحـت رهـبـری اردوغـان نـمـونـه یـک الگووسرمشق یا دست کم نیروی الهام بخش حرکت های اسلامی بوده است.

اکنون پس از چهار سال مدیریت بر سرزمینی که نزدیک به ۷۰ سال ملک انحصاری لائیک ها بوده است اردوغان و دوستانش می توانند مدعی شوند که پیدایی جریان اسلامخواهی در این سرزمین یک موج گذرا ومقطعی نبوده ،بلکه ریشه ای عمیق در خواسته ها ومطالبات ۷۰ میلیون جمعیت این کشور دارد.

ترکیه تحت رهبری اردوغان گرچه رشته ای بلند ازتحولات اجتماعی درداخل ترکیه به وجود آورده و چهره یک جامعه کهنسال را از رنگ لائیسم به صبغه اسلامی در آورده است، اما افکار عمومی منطقه اردوغان و دولت او را با دگرگونی های حوزه دیپلماسی اش می شناسند.

ترکیه در دوره اسلام گرایان چرخشی آشکار به سمت جبهه شرق وجهان اسلام دارد. دیپلماسی دولت اردوغان همه توان خود را به کار می بندد تا شکاف بزرگی را که میان اعراب وآنکارا دردوره لائیک ها بروز کرده بود ، ترمیم کند.

اردوغان و مدیر دیپلماسی او،عبدالله گل راه دشوار رفتن به میان اعراب را از ایستگاه فلسطین آغاز می کنند، بدین صورت ،کشوری که دوست اول اسرائیل در خاورمیانه نام گرفته بود این بار در جبهه شرکـای سیـاسی اعـراب وارد می شـود. دولت اسلامی آنکارا فرمولی جالب برای آب کردن یخ های کدورت با اعراب به کار می گیرد و آن چیزی نیست جز پایین کشیدن فتیله دوستی با اسرائیل.

در نخستین اقدام، آنها به هواپیمای «آریل شارون»در سفری کـه رهبر صـهـیـونـیـست ها می خواست به طور غیرمنتظره وارد آنکارا شود اجازه فرود نمی دهند. بعد از این واقعه منحنی دیدارها وآمد وشدها میان اسرائیل وترکیه قوس نزولی طی می کند. این وقایع همزمان است با مرگ عرفات و جنایات تازه اسرائیل در «رفح». اردوغان هیأت بلندپایه خود را راهی فلسطین و پایتخت های عربی می کند تاپیام همدلی ترک ها را به جهان عرب انعکاس دهد. او خود نیز در دیدار با وزیر انرژی اسرائیل در آنکارا با اندوه می گوید: «جنایات شما، من و مردم من را آزرده است. ترکیه در سوگ شهدای فلسطین حال و هوای سرزمین های اسلامی را پیدا می کند».

اندکی بعد آنکارا ضیافتی باشکوه برای دشمن شماره یک صهیونیست ها مهیا می کند، باحضور بشار اسد در ترکیه نهال دوستی اسلام گرایان با اعراب شکوفا می شود. اردوغان نخستین میوه این نهال را در انتخابات مربوط به رئیس آینده بزرگ ترین سازمان کشورهای اسلامی می چیند وقتی که مخالف و رقیب همیشگی آنکارا ـ مصر ـ به ریاست یک دیپلمات ترک ـ احسان اوغلو ـ رضایت می دهد.

به این ترتیب، جهان عرب همه نامهربانی های سیاسی و خاطرات تلخ تاریخی خود را با ترک ها به بوته فراموشی می سپارد، دیگر نه از داستان های سلطه عثمانی ها بر اعراب سخنی به میان می آید و نه از آنکارا بابت به رسمیت شناختن اسرائیل در ۱۹۴۹ یا پیمان استراتژیک ۱۹۹۰ سرزنش می شود.

عبدالله گل، چهره ای که از او به عنوان طراح نگاه به شرق دولت اردوغان یاد می شود، توصیفی شنیدنی از این چرخش بزرگ دارد: «دوران جنگ سرد به پایان رسیده است و به تبع آن، دوران اهمیت متحدان استراتژیک نیز. دیگر دلیلی ندارد از ترس قدرتی دست به دامن قدرت دیگری شویم.»

این سخن گل، ترجمان سیاست توازنی است که دولت اردوغان میان دو جبهه دوستان قبلی و فعلی آنکارا برقرار کرده است. بر پایه این تئوری، دولت اردوغان از به هم ریختن همه بنیادها ی سیاست خارجی کشور امتناع می کند. او بی آنکه روابط سنتی آنکارا با واشنگتن را دچار تنش کند طرح یک دوستی تازه را با جبهه رقیبان آمریکا و اسرائیل از تهران تا دمشق ریخته است.

سیاستگذاران آنکارا بی گمان دراین مدت به یک بازنگری اساسی در خط مشی سیاست خارجی این کشور دست زده اند. دوستی امروز آنکارا با اروپا و آمریکا، دیگر رنگ و ماهیت رفاقت های یکسویه دیروز را ندارد. در ماجرای جنگ و بحران عراق این واقعیت بیش از هر زمان اثبات شد، وقتی که برای نخستین بار دولت جدید این کشور با عبور سربازان آمریکایی از خاک خود در زمان جنگ عراق مخالفت کرد، زیرا مردم ترکیه بشدت مخالف این جنگ بودند.

دولت اردوغان به تأسی از همین نگاه افکار عمومی ترکیه، نگرش انتقادی خود رانسبت به سیاست هایی که نشان از سلطه و تبعیض دارد، حفظ کرده است. از همین روست که آنکارا امروز در صف اول انتقاد از دیدگاه های بوش یا سیاست های اولمرت ایستاده است.